

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی ادله نصب الهی ولایت فقیه از منظر آیات و روایات شیعه

پدیدآورنده: الهام اصلاح راجعونی^۱

۱. طلبه سطح دو حوزه علیمه حضرت مصصومه، شهرستان رودبار

چکیده

این پژوهش با عنوان* بررسی ادله نصب الهی ولایت فقیه از منظر آیات و روایات شیعه* می باشد و به روش تحلیل محتوا و به شیوه کتابخانه ای صورت گرفته است و به تبیین و اثبات اصل ولایت فقیه می پردازد.

نظریه ولایت فقیه، مشروعیت و مقبولیت آن به عنوان یک اصل، از مفاهیم اصلی و اساسی در مباحث دین اسلام و جامعه اسلامی است که بر دو اصل ولایت و فقاهت استوار می باشد. ترکیب دو واژه ای ولایت و فقیه بر زمامداری فردی اطلاق می شود که با توجه به منابع اسلامی، احکام و قوانین اسلامی را استخراج می کند. با ادله هایی که در این تحقیق آورده ایم درمی یابیم که باید و بالضوره حکومتی تشکیل داد و از طرفی باید این حاکمیت از طرف امام معصوم(علیه السلام) جاری و ساری شود. بعد از اثبات این اصل ، این سؤال مطرح می شود که در دوران غیبت که ما از نعمت حضور ظاهری امام معصوم(علیه السلام) محروم هستیم ، حاکمیت چه کسانی را پذیرا باشیم؟ لذا هدف محقق با توجه به دلایل عقلی و نقلی، اثبات اصل ولایت فقیه است و با تبیین ادله ای امام خمینی(ره) که معتقد است ولایت فقیه از مسائل بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد: "ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلامی را، حتی اجمالا، دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد. برخی متكلمان شیعه مثل شیخ مفید و سید مرتضی و ارائه برهان اصل تدریجی و با توجه به دلایل نقلی مثل آیات و روایات و سپس ارائه ای برخی شرایط ولی فقیه در نظام اسلامی، تبیین اصلاحیت و صدق گواهی ولایت فقیه می باشد. در نتیجه بنا بر ادله مذکور به این معنا رهنمون می شویم که باید به افرادی رجوع نماییم که سنتیت بیشتری به امام معصوم(علیه السلام) دارد.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، مشروعیت، حاکمیت، مقبولیت، نصب الهی

مقدمه

اسلام ناب محمدی به عنوان کامل ترین و خالصترین دین توحیدی است که دیانت و سیاست، دو مؤلفه‌ی ذاتی و عینی آن است. در میان دستورات اصیل اسلام هیچ چیزی به مانند امامت و ولایت تأکید نشده است. درست است که همه‌ی اصول و فروع دین در اصل توحید فانی اند، لکن تا اصل امامت و ولایت ثابت نشود، نمی‌توانیم به توحید ناب دست پیدا کنیم. پس در دوران غیبت که از حضور ظاهری امام معصوم محروم هستیم باید به اصلی رهنمون شویم که اولاً کاشف از منویات امام معصوم (علیه السلام) باشد، ثانیاً باید بیشترین شباهت روحی، سلوکی و دینی را به امام معصوم (علیه السلام) نسبت به دیگران دارا باشد تا قوام دین که همان رسیدن به اهداف عالیه‌ی خلقت و عبودیت کامل و معرفت خالصانه و اطاعت محضیه‌ی خداوند متعال است محقق شده و بشریت، استعدادهای فطری متعالی خود را شکوفا نماید تا بلکه این ودیعت الهی در سرشت او به عینیت و فعلیت کامل رسیده و از این رهگذر انسان با رسیدن به کمال غایی به حظ دنیوی و اخروی خود برسد.

یکی از موارد مهم و اساسی که همواره مورد نقد و احیاناً رد نحله‌های فکری و گروه‌های به ظاهر روشنفکر بوده، موضوع ادله و براهین اثبات ولای فقیه و سوال و اشکال از این براهین می‌باشد که نگارنده بر آن است تا با تکیه بر دو اصل عقل و نقل مهمترین و محکم ترین ادله و براهین عقلی و نقلی اثبات ولایت فقیه را ذکر کرده و مورد بحث قرار دهد.

از آنجا که ولایت فقیه شالوده اصلی نظام سیاسی اسلام است، لازم و ضروری است که همه متفکرین و اندیشمندان اسلامی جهت تقویت پایه‌های فکری اندیشه ولایت فقیه به تبیین و اثبات این اندیشه والا بپردازند؛ لذا محقق با درک ضرورت و اهمیت این مسأله به موضوع مهم (ادله اثبات ولایت فقیه) پرداخته تا با دلایل محکم و متقن عقلی و نقلی به شباهات مطروحه در این زمینه پاسخ داده و به تبیین بیشتر اصل ولایت فقیه بپردازم.

ادله اثبات ولایت فقیه بصورت مبسوط در بسیاری از آثار مربوط به نظریه ولایت مطرح شده است اما اکثر این پژوهش‌ها به مباحث کلامی و فقهی اثبات ولایت فقیه پرداخته اند و کمتر بصورت تلفیقی (ادله عقلی و نقلی) در این زمینه کار شده است.

مفهوم فقه

کلمه فقه در لغت به معنای فهم، آگاهی و دانایی است؛^۱ خواه مربوط به دین باشد و یا چیز دیگر. در لسان العرب معنای «فقه» فراتر از مطلق دانستن است و منظور از آن علم و دانستنی است که همراه با دقت نظر و استنباط باشد.^۲ فقه در اصطلاح؛ به معنای علم و آگاهی دقیق نسبت به علوم دین و احکام شرعی و توان استنباط آنی از طریق ادله تفضیلی(کتاب و سنت، عقلو اجماع) است.«فقه» یکی از یکی از شاخه های علوم دینی؛ است و منظور از آن:«علم به احکام شرعی از طریق استبط و اجماع».۳

مفهوم ولايت

تعريف ولايت لغوي:«ولايت» معاني مختلفی دارد. ريشه لغوي آن واژه عربي است که ريشه لغوي آن «ولی» به معنای قرب، اتصال و پیوند دو یا چند شيء است. از پیوند عميق دو شيء، ولايت پدید می آيد.^۴ اين واژه با هيئت های مختلف (به فتح و كسر) در معانی «حب و دوستی»، «نصرت و ياري»، «متابع و پيروي»، و «سرپرستي» استعمال شده که وجه و مشترك همه ي اين معاني قرب معنوی است.^۵ معنای اصطلاحی ولايت: «ولايت» عبارت است از:«تصدی امر و اراده حکومت».^۶

مفهوم ولايت فقيه

فقيه کسی است که در علوم اسلامی تخصص دارد و احکام شرعی را از ادله آن استنباط می کند.

تعريف ولايت فقيه: اختيار و مسئولیتی که از طرف شرع مقدس اسلام به فقيه(مجتهد جامع الشرایط) اعطای شده است را «ولايت فقيه» می گويند. که شامل اين امور می شود:«ولايت برفتوا، ولايت قضا، ولايت بر امور حسبة ، ولايت بر اداره کشور» همه موارد فوق مورد اجماع واتفاق نظر علماء می باشد.

۱. ابن فارس، معجم مقاييس اللغز، ج ۴، ص ۴۴۲

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۵

۳.

میراحمدی زاده، رابطه ي فقه و حقوقی ،

۴. اصفهانی، المفردات فی غرائب القرآن، ص ۵۳۳

۵. جوادی آملی، ولايت فقيه، ص ۱۲۲

۶. نوروزی، نظام سياسی اسلام، ص ۱۸۷

هنگامی که واژه‌ی ولایت، درباره‌ی فقیه به کار می‌رود، به معنای زمامداری و سرپرستی است که خود دارای اقسامی است:

أنواع ولایت

۱. ولایت تکوینی: ولایت سرپرستی، گاه ولایت تکوینی، یعنی سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عین در آن‌ها؛ مانند ولایت نفس بر قوای درونی خودش.

نفس بر اعضا و جوارح ولایت دارد و تمامی اعضا از نفس فرمان می‌برند و بر اساس دستور او اقدام می‌کنند؛ البته در صورتی که اعضا سالم باشند. این نوع از ولایت، تنها بین علت و معلول تحقق می‌یابد و بر اساس آن، هر علتی، ولی و سرپرست معلول خویش است. و هر معلولی، مولی‌علیه و در تحت ولایت و تصرف علت خوداست. بنابراین ولایت تکوینی، هیچ گاه تخلف پذیر نیست. و ولایت حقیقی و واقعی است. ولی حقیقی اشیاء و اشخاص که نفس انسان‌ها در ولایت داشتن مظہر اویند، فقط ذات خداوند است.^۱ «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ»^۲

۲. ولایت بر تشریع: این نوع ولایت، همان ولایت بر قانون گذاری و تشریع احکام دین است؛ یعنی اینکه کسی سرپرست جعل قانون و وضع کننده‌ی اصول و مواد قانونی باشد. این ولایت نسبت به وضع قانون تخلف پذیر نیست؛ یعنی با اراده‌ی قانونگذار قانون وضع می‌شود، لیکن در مقام امثال قابل تخلف و عصیان است و بنا براین ممکن است مردم از قانون اطاعت کنند و ممکن است اطاعت نکنند؛ چون انسان آزار و مختار است. بنابراین این گونه ولایت از امور اعتباری است و ملاک اعتباری بودن، اختیاری بودن پذیرش آن است. این ولایت نیز حق اختصاصی خداوند است؛ چنانکه قرآن درباره فرموده: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۳

۳. ولایت تشریعی (ولایت بر مودم): این نوع ولایت، یعنی نوعی سرپرستی و در موارد اندکی حق جعل قانون شرعی به پیامبر داده شده بود. که نه ولایت تکوینی است و نه ولایت بر تشریع و قانون، بلکه ولایتی در محدوده و چارچوب قانون الهی است که در لسان آیات و روایات و همچنین در عرف فقیهان در دو مورد به کار رفته است.

۱. هادوی تهرانی، ولایت فقیه، ص ۶۷-۶۹

۲. سوری: ۹

۳. یوسف: ۶۷

۲. جهت رفع نیاز های اجتماعی و قضایی، شیعیان را به پیروی از فقیهان جامع شرایط مکلف می سازد. حاصل کلام این که گرچه سؤال در مورد منازعه در دین و میراث بوده ولی با توجه به استشهاء امام به آید شریفه «عسرهٔ نسائے» تعبیر «إِنَّمَا قَدْ جَعَلْتُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» و ذیل حدیث استفاده می شود که امام صادق(علیه السلام) یک معیار کلی در مورد حل مشکلات شیعیان در زمانی که دسترسی به معصوم ندارد اراده داده و آن این است که فقیه، مرجع حل مشکلات است هم در زمینه مسائل قضائی و هم در سایر مسائل. به عبارت دیگر جمله‌ی «فَارْضُوا بِهِ حَكْمًا» مربوط به قضاوی است ولی عبارت «إِنَّمَا قَدْ جَعَلْتُهُ...» تعلیل و مربوط به ولایت و حکومت است به بیان بزرگان ، در فضای صدور این روایت کار حاکم دو چیز بوده: ۱- قضاوی ۲- حکم ولایی و إجرائی و إمام در این مقبوله هر دو امر را برای فقیه قرار داده است.^۱

شرایط ولی فقیه در نظام اسلامی

امام خمینی(ره) ولایت را مانند امامت می داند، معتقد است که شرایط إعمال ولایت دو بخش است؛ بخشی از آن «حصولی» است و بخش مهم آن «تحصیلی» می باشد؛ مانند وضو برای نماز است که باید آن را به دست آورده؛ نه حصولی مثل استطاعت برای حج، که تحصیل آن واجب نیست؛ به تعبیر علمی، بسیاری از شرایط ولایت فقیه، «شرط واجب» هستند نه «شرط وجوب». ^۲ فقیه جامع شرایط علاوه بر شرایط عمومی مثل عقل، ایمان و پاکزادی و... باید سه ویژگی داشته باشد:

۱. اجتهاد مطلق: یکی از شرایط رهبری جامعه‌ی دینی در عصر غیبت، فقاهت است مراد از آن، اجتهاد مطلق می باشد؛ یعنی بتواند همه‌ی مسائل را از منابع دینی استنباط کند. فهم درست و کامل رها ورد وحی، هنگامی صورت می گیرد که فقیه به همه‌ی ابعاد آن آگاه باشد و از این رو، اسلام شناس واقعی کسی است که علاوه بر اصول و مبانی دین، در همه‌ی ابواب فقه، اعم از عبادات، عاملات و سیاست مجتهد باشد.^۳ شرط لازم، فقاهت است، نه افقهیت و اعلمیت. بنابراین، آن حضرت در پیامی به رئیس مجلس بازنگری قانون اساسی، حتی مرجعیت را هم برای رهبری لازم نمی دانند.
۲. عدالت مطلق: فقیه جامع شرایط، کسی است که علاوه بر کمال عقل نظری، در ناحیه‌ی

۱. جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۳۹۰

۲. موسوی خمینی، صحیفه نور، ص ۱۰۷

۳. حائزی بزدی، حکمت و حکومت، ص ۱۷۷

۴. موسوی خمینی، صحیفه نور، ص ۱۳۹

عقل عملی هم به مقدار ممکن کامل باشد. فقیه باید مطیع تمایلات و هواهای نفسانی نباشد چنان که قرآن در مورد پیامبر می‌فرماید: «وَالْمُؤْتَفِكَةُ أَهْوَى...»^۱ و گناهی از او سرنزند؛ نه واجبی را ترک کند و نه حرامی را مرتکب شود. بی تردید در دست داشتن قدرت و نشستن در رأس هرم آن، اگر همراه با صلاحیت بالای اخلاقی نباشد، مفاسد غیر قابل جبرانی را به بار می‌آورد. کسی که می‌خواهد نیروهای اجتماع را برای رسیدن به تعالی اخلاقی هماهنگ کند، باید خود دارای فضایل اخلاقی باشد. آمام علی(علیه السلام) می‌فرمایند: «الْعَدْلُ جُنَاحُ الدُّلُّ»؛ عدالت سپر نگهبان حکومت هاست.^۲ آمام خمینی قدس سر شبیه انحصاری شدن قدرت و دیکتاتوری و استبداد را با شرط عدالت منتفی می‌داند و معتقد است عدالت رهبر هم به عنوان مکانیسمی درونی برای کنترل و هم جلوگیری از فساد قدرت و خود کامگی است.^۳

۳. قدرت مدیریت و رهبری: اجتهاد و عدالت و عدالت در مدیریت خرد و کلان، شرط لازم است؛ اما کافی نیست. بنابراین فقیه جامع شرایط باید دارای بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تسلط بر ساز و کارهای اجرایی، آگاهی از خواست‌ها و نیازمندی‌های عصر خویش، قدرت تصمیم‌گیری به موقع به ویژه در شرایط حساس و بحرانی ابتکار عمل در خروج از بن‌بست‌ها، شجاعت، از دست ندادن فرصت‌ها و در عین حال دوری از شتاب زدگی و هنر و استعداد مدیریت که زمینه‌ی استحقاق حاکمیت و حکومت او را فراهم می‌کند، باشد.^۴ که در روایات هم از آن به حسن الولایه تعبیر شده است. بیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ وسلم) می‌فرماید: امامت و زمامداری شایسته نیست، مگر برای کسی که سه ویژگی داشته باشد: تقوایی که او را از معاصی و گناهان باز دارد؛ حلمی که باعث کنترل غضش شود؛ و نیک حکومت راندن (حسن الولایه) برزیر دستان به گونه‌ای که برای آنان همانند پدر مهربان باشد.^۵ امیرالمؤمنان، علی(علیه السلام) می‌فرماید: سزاوار ترین مردم به

۱. نjm: ۵۳

۲. جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۱۳۷

۳. آمدی، غررو الحکم و دررالکام، ص ۴۵۶

۴. موسوی خمینی، صحیفه‌ی نور، ص ۱۱۳

۵. شاکرین، حکومت دینی، ص ۵۷-۵۵

۶. کلینی، الکافی، ص ۷۰

امر خلافت، توانترین آنان به انجام آن و دانترین آنان به دستورات خداوند در امور مربوط به خلافت و حکومت است.^۱

در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی های رهبر، چنین بیان شده است: صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوی لازم برای رهبری امت اسلام؛ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخص که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد، مقدم است.

نتیجه گیری

کوتاه سخن آن که، بعثت پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) علت محدثه حکومت اسلامی و وجود حضرات معصومان (علیه السلام) تا شهادت امام عسگری (علیه السلام) علت مدقیه اسلام و حکومت اسلامی می باشد، در زمان غیبت امام (علیه السلام) این وظیفه خطیر به عهده فقیهان واجد شرایط، معول گردیده است بنابراین ولایت و حکومت فقیه، تنها راهی است که از تعطیلی احکام اسلامی جلوگیری می نماید. نتایج حاصله از این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. وجود ولی فقیه به عنوان رهبری است که در زمینه های شکل گیری و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی را در سراسر جهان ایجاد می کند.

۲. رهبری جامعه اسلامی تأثیر بسزایی در موفقیت نظام و حکومت اسلامی خواهد داشت.

۳. نقش و جایگاه ویژه رهبری در انتخاب و انتصاب کارگزاران نظام اسلامی همواره حائز اهمیت است.

۴. دین اسلام با توجه به احکام و دستورهای مختلفی که در ابعاد مختلف زندگی انسان دارد مبین آن است که باید کسی پاکسانی باشند که این دستورات را در جامعه عملی کنند در عصر غیبت این نقش بر عهده ولی فقیه سپرده شده است.

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳

منابع

١. قرآن
٢. نهج البلاغه: ترجمه دشتی
٣. آمدی، عبدالواحد، غرور الحكم و در الكلم ، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر(عج)، ١٣٨١.
٤. انصاری، مرتضی، المکاسب، مبحث ولایت فقیه، قم: مؤسسه باقری، ١٤٢٠ق.
٥. اصفهانی، راغب، المفردات فی غرایب القرآن، بیروت: دارالقلم، ١٤١٦ق.
٦. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللّغه، ج٤، تحقیق محمد عبدالاسلام هارون، قم: مرکز نشر اعلام اسلامی، ١٤٠٤ق.
٧. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج٠، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، باب ١٤٠٨، ١٤٠٨ق.
٨. بابویه قمی، محمد (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج١، چاپ ٩، قم: مکتب الداوری، بی تا، باب ١٨٢.
٩. همان، عیون اخبار الرضا(ع)، تصحیح سید مهدی حسین لا جوردی، ج٢، تهران: جهان، ١٣٧٨.
١٠. همان، کمال الدین و تمام القعمه، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج١، چاپ سوم، ١٤٠٥ق.
١١. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، اسراء، چاپ چهارم، قم: ١٣٨٣ش.
١٢. جوادی، محسن، امینی علیرضا، معارف اسلامی ٢، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ ٤٩، زمستان ١٣٨٣.
١٣. حائزی، سید کاظم، اساس الحکومه الاسلامیه ، ترجمه طارمی راد، حسین، تهران: کنگره، ١٣٧٨.
١٤. حائزی یزدی، مهدی، حکمت و حکومت، شادی، ١٩٩٥م.
١٥. حرعاملی، محمد حسین، وسائل الشیعه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
١٦. رضی، محمد بن حسین، ترجمه دشتی، انتشارات مشرقین، چاپ سوم، قم: ١٣٧٩ق.
١٧. سیوطی، جلال دین، الدرالمنشور، ج٢، دارالعرفه، ١٣٥٦.
١٨. شاکرین، حمیدرضا، محمدی علیرضا، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران، قم: ناشر، دفتر معارف، ١٣٥٨.
١٩. همان، حکومت دینی، نشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ٠.
٢٠. صافی گلپایگانی، لطف الله، ضروره وجود الحکومه او ولایته الفقهاء فی عصر الغیبیه، قم، ١٤١٥ق.
٢١. صدر، سید حسن، تأسیس الشیعه العلوم الاسلام، منشورات اعلمی، تهران.

۲۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۳. طبرسی، محمد، تاریخ طبری، ج ۱، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۲۴. علی بن الحسین، سید مرتضی، المقنع فی الغیبیه، تحقیق السید محمدعلی الحکیم، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۵ق.
۲۵. عبدالعالی، علی، (محقق کرکی)، رسائل، ج ۱.
۲۶. عزیزی، حسین، غفار زاده، اندیشه اسلامی ۲، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۷. قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، نشر، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تصحیح علی اکبر الغفاری، تهران: دارکتب اسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش ها و پاسخ ها: ولایت فقیه و خبرگان، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ج ۱، ۴-۱۳۸۱.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، چاپ ۷، لبنان، بیروت، ۱۴۰۳ه ق.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، ج ۲، اسماعیلیان، قم.
۳۲. همان، ولایت فقیه، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام رحمت الله.
۳۳. همان، صحیفه نور، ج ۱، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. میراحمدی زاده، مصطفی، رابطه فقه و حقوق.
۳۵. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
۳۶. نعمان، محمد، (شیخ مفید)، المقنعه، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹.
۳۷. هادوی تهرانی، مهدی، ولایت فقیه.